



فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هفتم و شماره چهارم زمستان ۱۴۰۳

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 7, No. 4, Winter 2025



بررسی تطبیقی کرامت نفس از دیدگاه آیه الله جوادی آملی و ناتانیل براندن

علی غضنفری* | مریم فاتحی زاده** | لیلا سادات داوودی***

doi: 10.22034/ethics.2025.51587.1706

چکیده

کرامت نفس به معنای احساس ارزشمندی، یکی از اساسی ترین موضوعات انسان شناسی و اساس بسیاری از حقوق و امتیازات انسانی است. در این تحقیق به روش تحلیلی - تطبیقی دیدگاه آیه الله جوادی و براندن در سه بخش مبانی کرامت نفس، عوامل و آثار آن بررسی شده و اشتراکات و افتراقات این دو نگاه تبیین شده است. نتیجه اینکه آیه الله جوادی - بر خلاف براندن - مبنای ارزشمندی انسان را الهی می داند. هر دو به عوامل شناختی و رفتاری اعتنا دارند. لازمه شناخت خود، از منظر آیه الله جوادی شناختی در همه ابعاد جسمی و روحی و لازمه آن، شناخت خداوند است. در صورتی که براندن به شناخت قابلیت ها و پذیرش نقاط قوت و ضعف اکتفا کرده است. از منظر هر دو متفکر احساس ارزشمندی آثار معرفتی، اخلاقی و رفتاری دارد. آثار اخلاقی و رفتاری دو دیدگاه، بسیار شبیه است؛ هر چند براندن، ابراز وجود و فردگرایی را بیان می کند که از منظر آیه الله جوادی قابل پذیرش نیست.

کلیدواژه ها

کرامت نفس، ارزشمندی، عزت، جوادی آملی، ناتانیل براندن.

* دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) | ghazanfari@quran.ac.ir

** استاد گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. | m.fatehizade@edu.ui.ac.ir

*** پژوهشگر حوزه و دانش آموخته سطح چهار مرکز تخصصی علوم اسلامی کوثر تهران، ایران. | sadatdavodi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

■ غضنفری، علی؛ فتحی زاده، مریم؛ داوودی، لیلا سادات. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی کرامت نفس از دیدگاه آیه الله جوادی آملی و ناتانیل براندن. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۷(۲۵)، ۶۶-۴۵. doi: 10.22034/ethics.2025.51587.1706

مقدمه

کرامت انسان، یکی از اساسی‌ترین موضوعات در مباحث انسان‌شناسی است؛ زیرا این موضوع پایه و اساس بسیاری از حقوق، امتیازات و تکالیف انسانی است؛ به گونه‌ای که برخی اندیشمندان آن را زیربنای اخلاق اسلامی می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۴۷). معنای کرامت همان نزاهت از پستی و فرومایگی و پرهیز از حقارت و مهانت نفس است، یعنی پی بردن انسان به ارزش و عظمتی که در نهاد او به ودیعه گذارده شده است.

توجه به ارزشمندی انسان در تربیت و هدایت، نقشی مؤثر دارد و پرداختن به تربیت صحیح، از ضروری‌ترین امور انسان و جامعه انسانی است؛ زیرا تنها در پرتو تربیت صحیح است که انسان به عنوان موجودی هدفمند به اهداف و آرمان‌ها و سعادت مطلوب خویش دست می‌یابد. با توجه به اینکه در جامعه امروزی گرایش و نیاز به مسائل روان‌شناسی و مشاوره بیشتر شده است، بررسی نظرات روان‌شناسان با نظرات عالمان دینی می‌تواند راه‌گشا باشد.

علما و پژوهشگران زیادی به مباحث کرامت انسان، توجه کرده و تحقیقاتی را انجام داده‌اند. ارسنجانی در کتاب کرامت انسان از نگاه اسلام و مسیحیان، بعد از مفهوم‌شناسی کرامت، مقایسه‌ای از اصول کرامت در اسلام و دین مسیحیت انجام داده است. همچنین پایان‌نامه «نقش کرامت نفس بر امنیت جامعه اسلامی در کلام امام علی (ع)» از رازقندی که در سال ۱۳۹۲ نگاشته شده و به طور خاص تأثیر کرامت بر امنیت جامعه را مورد بررسی قرار داده است. مقالات مختلفی نیز در مجلات به چاپ رسیده است از جمله مقاله «عزت نفس و کرامت غیر در از خودگذشتگی در اسلام» که نویسنده تلاش کرده تناقض میان نفی خود و اثبات خود در عزت نفس و کرامت غیر را حل کند.

با توجه به تأثیرات تربیتی گسترده کرامت نفس در ابعاد مختلف زندگی، در این تحقیق به روش تحلیلی - تطبیقی دیدگاه تفسیری آیه الله جوادی به عنوان عالم برجسته اسلام که به طور خاص بر مبحث ارزشمندی انسان تحقیق کرده‌اند و برانندن به عنوان روان‌شناسی که پدر عزت نفس دنیا شناخته می‌شود، تطبیق شده تا به این وسیله برای رفع حقیقی نیاز بشر الگویی از کرامت نفس ارائه شود؛ زیرا با عدم توجه به منبع غنی علوم وحیانی، انسان‌ها با علومی مواجه خواهند شد که خطاپذیر است و از آسیب‌های آن مصون نخواهند بود.

حاصل تطبیق این دو دیدگاه در سه قسمت مبانی، عوامل و آثار کرامت نفس بیان می‌شود و در هر بخش، پس از تقریر دیدگاه جوادی آملی، دیدگاه ناتانیل برانندن بیان و بررسی می‌شود.

معرفی آیه الله جوادی آملی و ناتانیل براندن

عبدالله جوادی آملی از علمای شیعی معاصر است که صاحب تألیفات زیادی است. در زمینه کرامت نفس، افزون بر آنچه ذیل آیات مربوط به این موضوع در تفسیر ارزشمند تسنیم بیان کرده‌اند، به طور مجزا کتابی با نام کرامت در قرآن تألیف کرده‌اند. ناتانیل براندن، روان‌درمانگر و نویسنده‌ای کانادایی - آمریکایی است. او تحقیقات و تألیفات زیادی در زمینه احساس ارزشمندی انجام داده که از جمله تألیفات او روان‌شناسی کرامت نفس، کرامت نفس در زنان، قدرت خودباوری و هنر آگاهانه زیستن است. کتاب‌های این نویسنده به بیش از هجده زبان دنیا ترجمه شده است.

مفهوم‌شناسی

«کرامت»: کرامت به معنای ارزشمندی و شرافت و ضدِ لثامت و پستی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۷۲؛ ابن درید الأزدی، ۱۴۰۰ ق، ج ۲، ص ۷۹۸). بعضی از اهل لغت، این واژه را دارای اصل واحد به معنایی مقابل خواری می‌دانند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۴۹). واژه «کرامت»، همراه با مشتقات آن ۴۷ بار در قرآن ذکر شده که در حوزه‌های مختلف در وصف افراد و اشیاء گوناگون بکار رفته است. با سیری در معنای این واژه و مشتقات آن، به طور کلی می‌توان گفت، کرامت و ارزشمندی به‌خودی‌خود است و در آن استعلا و برتری نسبت به‌غیر لحاظ نمی‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۴۹) جوادی آملی معتقد است که «کریم» معادل معنایی بسیطی در فارسی ندارد و باید چند کلمه کنار هم گذاشته شود تا معنای «کریم» را برساند. به همین دلیل «کریم» را «روح بزرگوار و منزّه از هر پستی» معنا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۲۱). چنانکه شهید مطهری نیز کرامت را «بزرگواری و تن ندادن به هر کار پست» می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۶۶۵) از نظر براندن، «self-esteem» حالتی است که فرد خود را شایسته بداند و به گونه‌ای موفقیت‌آمیز با چالش‌های زندگی روبه‌رو شود (براندن، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

۱. مبانی کرامت نفس

منظور از مبانی، اساس و پایه کرامت است که می‌توان آن را در دو دسته هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی مورد بررسی قرار داد.



۱.۱. مبانی هستی‌شناختی

مبانی هستی‌شناختی، مبانی‌ای هستند که در جریان تکوین و آفرینش انسان مطرح است و خداوند در خلقت و ذات انسان‌ها به آنها بخشیده است.

۱.۱.۱. روح الهی

آیه الله جوادی آملی مبنای کرامت انسان را «روح الهی» می‌داند و می‌فرماید اگر انسان مانند دیگر موجودات تنها از خاک خلق می‌شد، کرامت برای او ذاتی و وصف اولی نبود (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۶۲) و چون روح الهی به خداوندی که معلم اکرم است مرتبط است، پس سهمی از کرامت دارد و روح الهی به معنای روح کرامت است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۶۳)

در آیاتی از قرآن کریم به نفخه روح الهی در انسان اشاره شده است. در آیه ۲۹ سوره حجر آمده است: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»، یعنی پدید آمدن روح و حیات در انسان‌ها، به امر ویژه خداوند است و افاضه حیات به بشر را به خود اسناد داده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۹، ص ۶۰۱). به همین دلیل، جوادی آملی از روح انسانی به عنوان گوه‌ری گرانمایه یاد می‌کند که با آفرینش او عجین شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۴۹، ص ۴۹۱). بنابراین، خدا ذات انسان را نیکو آفریده نه اینکه کرامت انسان از خود او باشد؛ زیرا ذات انسان هم ممکن و نیازمند است پس کرامت او به تکریم الهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۴۹، ص ۴۹۱)

همچنین اضافه «روح» به «یای» متکلم، برای تشریف و تکریم است، یعنی انسان، برخوردار از مقام و شرافتی خاص است که این شرافت و کرامت انسان، به روح الهی اوست (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۹، ص ۶۰۱) و روح منفوخ در انسان که شرافت اضافه شدن به الله را دارد با حسن اختیار شکوفا می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۴۹، ص ۵۰۳). چنان‌که «من روحی» به معنای جزئی از ذات مقدسه نیست؛ زیرا خداوند مرکب نیست و چیزی از ذات او کم نمی‌شود، بلکه اختصاص نسبت به خود خداوند است که نشان از کرامت انسان نزد خداوند است (صادقی تهرانی، ج ۱۶، ص ۱۷۱). این معنا در آیات دیگری از جمله آیه ۷۲ سوره ص و آیه ۹ سوره سجده نیز ذکر شده است.

۱.۱.۲. خلقتی رفیع

انسان، جایگاهی ممتاز در بین مخلوقات دارد که از ارتباط خاص او با خالق یکتا حاصل شده است. مطابق آیات سوره مؤمنون، نطفه، نخستین مرحله از تکون انسان است. در این مرحله

جسمی به جسم دیگر تبدیل می‌شود. نطفه به علقه، علقه به مضغه و بعد مضغه تبدیل به استخوان. روی استخوان گوشت پوشیده می‌شود و در مرحله بعد صحبت از انشاء است.

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (سوره مؤمنون، آیه ۱۲-۱۴).

«ثم أنشأناه خلقاً آخر» مراد دمیده شدن روح در جنین است. ضمیر «انشأناه» به انسان باز می‌گردد و این تعبیر بیان می‌کند؛ محدوده کرامت گوهر انسان همین جاست (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۴۹، ص ۴۹۵). از آن جا که در آیه مدّ نظر مراحل خلقت انسان با دو واژه «خلق و انشاء» ذکر شده است و انشاء به خلقتی که همراه با رفعت باشد دلالت دارد (نک: سلطانی و داوودی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۷) می‌توان گفت خداوند خلقت روح انسان را خلقتی رفیع قرار داده است و به همین مناسبت است که جوادی آملی محدوده کرامت انسان را این آیه می‌داند. این مرحله، همان مرحله‌ای است که جنین از مرحله نباتی و گیاهی وارد مرحله حیات انسانی می‌شود و به اندازه‌ای اهمیت دارد و فاصله آن با مرحله قبل زیاد است که تعبیر از آن با جمله (ثم خلقناه) کافی نبود و از همین رو، (ثم أنشأناه) فرمود و ضمیر «ه» در «أنشأناه» به مضمون «فكسونا العظام لحماً» بازمی‌گردد تا مرحله شکل‌گیری کامل جنین را برساند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۵۸، ص ۶۲۷). در آخر آیه هم خداوند خود را بر این خلقت تحسین کرده «فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» در خلقت هیچ موجودی چنین تعبیری ذکر نشده است به جز انسان که بعد از اشاره به جریان خلقت او بر احسن الخالقین بودن خود تبریک می‌گوید.

به خلقت رفیع و با منزلت انسان در آیات دیگری از قرآن نیز اشاره شده است: مانند آیه ۷۵ سوره ص: «(قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيدِي...» که خلقت انسان را خداوند به دو دست خود نسبت داده است و آفرینشی بس مهم و با عظمت و مورد توجه ویژه خداوند مدّ نظر است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۶۹، ص ۳۲۱) و از آنجا که معمولاً انسان‌ها قدرت خود را با دست اعمال می‌کنند و کارهای مهم را با دو دست انجام می‌دهند، «دست» کنایه از قدرت و سلطه است و به کار گرفتن دو دست نشانه نهایت توجه و علاقه انسان به چیزی است. آیه الله جوادی آملی با استناد به این آیه شریفه می‌فرماید که اگر خدا انسان را با دو دست جلال و جمال خویش خلق کرد انسان مظهر جلال و جمال خدا خواهد بود و گوهر انسانی گوهری کریم خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۶۴).



بنابراین، یکی از مبانی کرامت ذاتی انسان همین نوع خلقت اوست؛ زیرا ویژگی‌هایی دارد که او را برتر از موجودات دیگر کرده تا آنجا که خداوند برای خلقت انسان خودش را تحسین می‌نماید، یعنی انسان از بین همه مخلوقات، ممتاز و برگزیده الهی است که برخوردار از کرامت نفس است و در حقیقت، کرامت نفس همان نسبت خداوند با انسان است.

۲.۱. مبانی ارزش‌شناختی

منظور از مبانی ارزش‌شناختی، مبناهایی است که در ذات و خلقت انسان نیست و ارزش‌هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است که در آیات قرآن کریم به این ارزش‌ها اشاره شده است.

۱.۲.۱. خلیفه الهی

در آموزه‌های دینی انسان از مقامی به نام خلیفه الله بهره‌مند است که قرآن کریم در نقل داستان آفرینش انسان به این شأن از شئون انسان اشاره می‌کند: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (سوره بقره، آیه ۳۰) و یادآر، آنگاه که پروردگار به ملائکه فرمود: من در زمین خلیفه‌ای (از بشر) قرار خواهم داد.

«خلافت» در لغت، از ریشه خلف به معنای پشت سر و خلیفه بر وزن «فعلیه» به معنای فاعل است نه مفعول. پس خلیفه، یعنی جانشین (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۲۸) و منظور از این جانشینی، مقامی است. به همین دلیل نمی‌تواند جانشین جنیان و فرشتگان و انسان‌های پیشین که برخی مفسران بیان کرده‌اند باشد، بلکه از منظر جوادی آملی تنها می‌تواند منظور خلیفه اللهی باشد چنانکه «تا» در خلیفه نیز برای مبالغه است، یعنی انسان کاملاً خود را می‌شناسد و موجود کاملی است که می‌تواند در همه جوانب، آثار خدایی را در جهان محقق کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۲۹).

طبق این آیه، خلیفه خدا شدن در زمین کرامتی است که به انسان اعطا شده است و حتی ملائکه مکرم از آن محرومند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۶۰). این مقام تنها مربوط به حضرت آدم (ع) نیست، بلکه به نوع انسان اشاره دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۴۸) همچنین؛ چون خداوند محیط به کل شیء است، خلیفه او هم باید موجودی باشد که به اذن او به آنچه در جهان آفرینش هست احاطه داشته باشد، و گرنه خلیفه نسبی خواهد بود، نه خلیفه مطلق (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۳۰).

از نظر جوادی آملی، کرامت انسان، نتیجهٔ خلافت اوست و انسان بدون جنبهٔ خلافت از خداوند کرامتی ندارد، یعنی خلیفه بودن انسان گواه کرامت خاصی است که انسان‌ها از آن بهره گرفته‌اند و همهٔ انسان‌ها زمینه و شأن و استعداد رسیدن به این مقام در درون آنها قرار داده شده است و با اراده و انتخاب خود آن کرامت را به فعلیت می‌رسانند و بدون داشتن کرامت، دلیلی بر محور قرار گرفتن او نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۴۲).

۲.۲.۱. تعلیم اسماء

یکی دیگر از ملاک‌های ارزشمندی انسان، آگاهی از اسما و حقایق غیبی است که موجب امتیاز انسان بر فرشتگان شده و در آیات ۳۰ و ۳۱ سورهٔ بقره آمده است:

«... قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ. وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...»؛ هنگامی که پروردگاره فرشتگان فرمود من در روی زمین، جانشینی قرار خواهم داد، فرشتگان گفتند: آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگار فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. سپس علم اسماء را به آدم آموخت (سورهٔ بقره، آیه ۳۰-۳۱).

جوادی آملی که خلافت را کرامت انسانی می‌دانند، معیار جعل آن را تعلیم اسماء بیان می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۶۵) و قائلند آگاهی از اسماء به حضرت آدم (ع) اختصاص ندارد، بلکه در او و همه فرزندان او به ودیعت گذاشته شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۴۱) باید توجه داشت که تعلیم غیر از تدریس است و بر خلاف تدریس با جهل و عدم یادگیری قابل جمع نیست. در حقیقت، تعبیر تعلیم در جایی است که حقیقت علم در جان متعلم بنشیند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۶۱-۱۶۶) همچنین منظور از «اسماء» علم به لغات نیست؛ زیرا اگر چنین بود وقتی آدم به اسماء را به فرشتگان یاد می‌داد، با انسان هم رتبه می‌شدند و دیگر برای انسان فضیلت و کرامتی محسوب نمی‌شد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۷۴).

۳.۲.۱. مسجود ملائک

ماجرای خلقت انسان و سجدهٔ فرشتگان بر او سند زنده و گواه روشنی بر شرافت انسان و عظمت



مقام اوست که پس از تکمیل خلقتش، تمام فرشتگان مأمور می‌شوند در برابر این آفرینش بزرگ سر تعظیم فرود آورند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۸۲). تکرار ماجرای سجده فرشتگان در جای جای قرآن می‌تواند بر اهمیت احساس ارزشمندی انسان‌ها اشاره‌ای باشد. این که بدانند، خضوع و سجده فرشتگان در برابر انسان به دلیل شرافت و عظمت او بوده است.

آیه الله جوادی آملی سجده ملائکه را در مقابل مقام آدمیت می‌داند نه شخص حضرت آدم (ع) (جوادی آملی، عبدالله ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۴۱) و آن را نشان از عظمت و شایستگی انسان دانسته و می‌فرمایند، آیه «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ...» به مقام کرامت و حرمت او نظر دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۲۶۷) سپس به روایت امام حسن عسکری (ع)، استناد می‌کنند که در حدیث، امام (ع)، سجده ملائکه بر آدم را برای تعظیم و تکریم می‌فرمایند^۱ (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۳۱۱).

۴.۲.۱. تسخیر موجودات

منظور از تسخیر موجودات، رام شدن و تحت اراده خود قرار گرفتن موجودات است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۴۴) در آیتی از قرآن کریم از اینکه موجودات مسخر انسان هستند صحبت شده و به‌طور خاص مواردی را ذکر کرده که در تسخیر انسان قرار داده شده است مانند تسخیر خورشید و ماه (سوره رعد، آیه ۲؛ سوره عنکبوت، آیه ۶۱)، تسخیر شب و روز (سوره لقمان، آیه ۲۹، سوره نحل، آیه ۱۲، سوره ابراهیم، آیه ۴۴) تسخیر دریا و استفاده از گوشت موجودات دریایی و همچنین استفاده از آنها برای زینت (سوره نحل، آیه ۱۴) تسخیر کشتی در دریا (سوره ابراهیم، آیه ۳۲، سوره جاثیه، آیه ۱۲) و در برخی آیات نیز به‌طور کلی خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر انسان شمرده است و می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» (سوره لقمان، آیه ۲۰).

تسخیر موجودات برای انسان می‌تواند به این معنا باشد که فایده و سود آنها برای انسان است. همه چیز تحت اراده و اختیار خداوند است، ولی فایده و سود آنها برای انسان است و یا اینکه خداوند راه استیلا و غلبه و استفاده از آنها را در اختیار انسان قرار داده است و به این معنا نیست که انسان همه این موجودات را تحت فرمان خود در می‌آورد، بلکه همین اندازه که در مسیر منافع و خدمت او حرکت دارند، در تسخیر او هستند.

این از ویژگی‌های جهان‌بینی اسلام است که خداوند، به انسان چنان ارزش و مقامی داده

۱. «... کان بذلک معظماً مبجلاً».

است که همه موجودات دیگر را مسخر او ساخته است. آیه الله جوادی آملی از آیات تسخیر نتیجه می‌گیرند که انسان از همه موجودهای نظام کیهانی برتر است؛ زیرا همه آنها برای بهره‌مندی مادی یا معنوی انسان خلق شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۱۱) و این قدرت تسخیر به انسانی خاص واگذار نشده، بلکه مربوط به نوع انسان است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۴۱) که اگر انسان به این ارزشگذاری خداوند توجه کند، کرامت خود را حفظ می‌نماید و خود را در مقابل حیات مادی ذلیل نکرده و عزت‌مند زندگی می‌کند (نک: بیگی‌زاده، ۱۴۰۰).

۵.۲.۱. اعطای عقل

از نظر قرآن مجید، ابزار شناخت و ساختار معرفتی انسان است که زمینه‌ساز کرامت او خواهد شد. عقل و اختیار که در آیات زیادی از آنها یاد شده از قوای ویژه انسانی است که موجب کرامت او شده است. گرچه ویژگی‌های بسیاری انسان را از دیگر موجودات متمایز می‌کند، ولی یکی از مهم‌ترین عوامل تمایز انسان از دیگر موجودات عقل است. امکان تفکر و تعقل، امکان ذاتی برای انسان‌هاست که با به‌کارگیری این ظرفیت می‌توانند حق و باطل را تشخیص داده و با اراده خود انتخاب کنند. در تفسیر آیه ۷۰ سورة اسراء بسیاری از مفسران عقل و اختیار را دلیل برتری انسان‌ها بر دیگر مخلوقات دانسته‌اند. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۴۹، ص ۵۲۴).

به همین دلیل، عقل به معنای خودآگاهی و ادراک واقعیت‌ها، یعنی هست‌ها و نیست‌ها و عقل عملی که در حوزه باید‌ها و نبایدهاست و موجب کنترل رفتار انسان می‌شود، از مبانی کرامت ذاتی انسان است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱ ص ۱۵۳)، ولی ناتانیل براندن به رغم تألیف چند کتاب درباره احساس ارزشمندی انسان، مبنایی برای ارزشمندی بیان نمی‌کند.

به طور کلی می‌توان گفت مبنای ارزشمندی انسان از منظر آیه الله جوادی آملی کاملاً الهی است، یعنی کرامت انسانی از سوی خداوند است و امری نیست که انسان خودش آن را ایجاد کرده باشد یا به‌طور تصادفی یا مبتنی بر مادیات باشد، بلکه خصوصییتی است که از طرف خداوند به انسان عطا شده است، ولی منظور از احساس ارزشمندی، از منظر براندن، احساس خوشایند فرد نسبت به داشته‌ها، استعدادها و قابلیت‌های اوست (براندن، ۱۳۸۰، ص ۲۱) و مبنای دلیلی برای آن بیان نمی‌شود، بلکه از روی تجربه و مطالعه رفتار به این نتیجه رسیده است که انسان‌ها باید خود را ارزشمند بدانند.



۲. عوامل کرامت نفس

با وجود اینکه کرامت انسان ذاتی است و از طرف خداوند در هستی انسان عطا شده است، ولی احساس ارزشمندی و رسیدن به اینکه موجودی ارزشمند است، عواملی دارد که برخی شناختی و برخی رفتاری اند:

۱.۲. عوامل شناختی

شناخت و معرفت از عوامل مؤثر در رفتار است و در آموزه‌های دین اهمیت ویژه‌ای برای آن بیان شده تا آنجا که در روایات معصومین (ع) آمده است؛ نشان ندادن بودن انسان همین بس که ارزش خود را نداند (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳) و شناختن ارزش خود، سودمندترین شناخت‌ها و نهایت معرفت بیان شده است (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۱۶۷۵ و ح ۶۳۶۵).

از طرفی دیگر، از آنجا که طبق آموزه‌های دینی، انسان نفخه‌ای از روح الهی است لازمه شناخت خود و رسیدن به احساس ارزشمندی، شناخت خداوند است. جوادی آملی، می‌فرماید: کرامت عندالله است. انسان باید متوجه این امر باشد و جاهل و غافل نباشد؛ زیرا جهل و غفلت دو عامل دوری از کرامت است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۹). به‌همین دلیل، ایشان علت تأکید قرآن بر علم و معرفت و تذکر و پرهیز از غفلت را شناخت راه کرامت برای انسان‌ها می‌دانند و می‌فرمایند راه رسیدن به کرامت این است که بداند و توجه داشته باشد که در جهان طبیعت کرامت نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۱).

اگر انسان خود و خدای خود را بشناسد به کرامت حقیقی دست می‌یابد. در واقع، وقتی به عظمت خداوند پی ببرد، هرآنچه غیر اوست خوار و کوچک می‌شود. جوادی آملی به جمله نورانی حضرت علی (ع) «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ، فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳) اشاره می‌نماید و توضیح می‌فرماید: اگر این عظمت در قلب کسی ظهور پیدا کند جایی برای دیگری نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۴).

براندن هم برای عوامل شناختی اهمیت زیادی قائل است تا جایی که معتقد است احساس ارزشمندی یا از درون شکل می‌گیرد یا به هیچ وجه شکل نمی‌گیرد (براندن، ۱۳۸۸، ص ۴۴). براندن خودپنداره و پذیرش را سنگ بنا (براندن، ۱۳۸۸، ص ۳۸۵) و از ارکان مهم می‌داند (براندن، ۱۳۸۰، ص ۹۲)؛ به گونه‌ای که به هر اندازه که انسان خود را به آگاهی از خویش متعهد می‌کند، به همان اندازه به کسب حرمت نفس نائل می‌آید (براندن، ۱۳۷۳، ص ۷۷۸) اگر در فعالیت‌های خود از سطح

معینی از آگاهی استفاده نکند و با ذهن خود برخورد درست نداشته باشد، با کمی باور خود توانمندی و حرمت نفس روبه رو می شود (براندن، ۱۳۸۰، ص ۹۳).

۲.۲. عوامل رفتاری

یکی از عوامل احساس ارزشمندی از منظر آیه الله جوادی آملی، تقوا و اتصال و ارتباط با خداوند عزیز است. از منظر ایشان، کسی که تقوا را اساس زندگی خود قرار دهد به کرامت نائل می آید و انسان با کرامت مظهر خدای کریم است و چون کرامت حق تعالی نامحدود است، کرامت انسان کامل هم نامحدود است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۵۴).

ایشان معتقدند کرامت منحصر در خدای کریم است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۱). ارتباط با خدا و بندگی، عاملی برای دستیابی به احساس ارزشمندی است و حتی از غیر آن، کرامت نسبی هم حاصل نمی شود؛ زیرا هر آنچه در جهان هستی مایه کرامت یا دیگر کمالات است، از آن خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۲). به همین دلیل، جوادی آملی تقوا را محور کرامت می شمارند (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۴۶).

بنابراین، کرامت در وجود و عدم و حدوث و بقا تابع بندگی و ارتباط با خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۵). از طرفی «کرامت» یک وصف نفسانی است و اوصاف نفسانی به معرفت و تکرار عمل نیاز دارند. از این رو، با ارتباط با خداوند و تکرار آن است که انسان می تواند به ملکه این صفت نفسانی متصف شود (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۹).

براندن هم به اهمیت عوامل رفتاری اشاره ای دارد و می گوید اگر رفتار انسان مطابق با آنچه مناسب می داند، نباشد پیش خود بی اعتبار می شود و احساس ارزشمندی مناسبی نخواهد داشت (براندن، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵). از منظر او، کافی است سطح عملکرد را افزایش داده تا باور خودتوانمندی و حرمت نفس افزایش یابد و بدون عمل و اقدام، به هیچ ارزشی نمی توان رسید (براندن، ۱۳۸۰، ص ۸۹). به طور مثال، عمل به قول ها و تعهدات و رفتار صادقانه و منصفانه با دیگران را موجب احساس قدرت مندی و بی نیازی از تأیید دیگران می داند که موجب می شود شخص احساس کند ارزشمند است (براندن، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

می توان گفت با وجود اشتراک نظر آیه الله جوادی و ناتانیل براندن در عوامل احساس ارزشمندی، شناخت مد نظر براندن در حد آشنایی با نقاط قوت و ضعف و استعدادها و افکار است. او شناخت را محدود به خودپنداره، یعنی توصیف فرد از خود دانسته است و به دید مادی



انسان بسنده کرده است (براندن، ۱۳۸۸، ص ۴۴ و ۳۸۵، ۱۳۸۰، ص ۹۰). در صورتی که از منظر آیه الله جوادی - افزون بر این گونه شناخت‌ها - شناخت بُعد روحانی انسان و ارتباط او با خداوند نیز بینشی است که ارزش وجودی انسان را بیش از پیش آشکار می‌کند. شناخت بیشتر صفات الهی و آگاهی از برخورداری روح الهی منجر به شناخت ظرفیت‌های وجودی شده و موجب می‌شود افراد ارزش خود را بیشتر بدانند و به کرامت حقیقی دست یابند و ارتباط و بندگی بیشتر خداوند را موجب بهره‌مندی بیشتر از عزت و احساس ارزشمندی می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۹ و ۱۲۱).

۳. آثار کرامت نفس

احساس ارزشمندی یا همان کرامت نفس آثاری را در پی دارد. این آثار می‌تواند معرفتی، اخلاقی و یا رفتاری باشد که هم آیه الله جوادی آملی و هم براندن به آنها اشاره کرده‌اند:

۱.۳. معرفتی

کسی که کرامت نفس داشته باشد، ارزش خود را بالاتر از دنیا و لذات پست دنیایی می‌داند. برای رسیدن به مال و مقام و ثروت دنیا خود را حقیر و ذلیل نمی‌کند. در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده است که هر کس از کرامت نفس برخوردار باشد، دنیا در چشم او کوچک و خوار و هر کس نفسش در مقابل او خوار باشد، دنیا در نزدش بزرگ است. «فمن کرم علیہ نفسه صغرت الدنیا فی عینه و من هانت علیہ نفسه کبرت الدنیا فی عینه» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۶۳) جوادی آملی با استناد به این روایت می‌فرماید: اگر کسی خود را بشناسد، روح را به کرامت و عظمت بشناسد، همه دنیا در چشمش کوچک می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۵) و به همین دلیل انسانی که ارزش خود را دریابد هرگز غصه دنیا را نمی‌خورد و در حوادث ناگوار رنج نمی‌برد (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۷).

۲.۳. اخلاقی

انسانی که کرامت نفس دارد، دیگران را تحقیر نمی‌کند؛ چون با احساس ارزشمندی نیازی ندارد که با تحقیر دیگران برای خود بزرگی و ارزشمندی بسازد. افزون بر این، بخشنده است و پیش از این که کسی از او درخواست کند، به او می‌بخشد (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۱). بنابراین، از مال دنیا به راحتی می‌گذرد. جوادی آملی با استناد به روایت «الکرم ایشار العرض علی المال»

می‌فرمایند؛ «کریم» آبرویش را با مال حفظ می‌کند و شخص لئیم مالش را با آبرو حفظ می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۲)، یعنی شخص لئیم حاضر است به خاطر مال دنیا حتی آبروی خود را ببرد؛ چون برای خودش ارزش قائل نیست.

همچنین عزت نفس انسان را بلندهمت کرده و ثبات و پایداری آن را در راه اهداف متعالی افزایش می‌دهد، یعنی این طور نیست که رنج در عالم نباشد و کسانی که به مقامات علمی رسیده‌اند، بدون رنج و سختی بوده، بلکه کرامت و احساس ارزشمندی سبب می‌شود رنج و سختی‌ها در آنها اثر نکند (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۲) حضرت علی (ع) در توصیف انسان‌های کریم، می‌فرمایند: مصیبت‌ها و ناملایمات در روح انسان کریم تأثیر نمی‌گذارد. «النفس الکریمه لا تؤثر فیها النکبات» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۸۳).

در واقع، فردی که عزت نفس بالایی داشته باشد، نه تنها مشکلات او را کم ارزش نمی‌کند، بلکه او مقاوم‌تر خواهد شد و مئونات زندگی بر او سنگینی نمی‌کند. «النفس الشریفه لا تتقل علیها المئونات» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۸۳)، یعنی چنین انسانی به فضایل اخلاقی؛ چون استقامت و صبر و حلم و از خود گذشتگی متخلق می‌شود.



۳.۳. رفتاری

کسی که احساس کرامت کند و شرافت خویش را باور داشته باشد، از هر گونه رفتار ناپسند و انجام هر جرم و جنایت، دور است. در آیه‌ای از قرآن کریم، فرشتگان بندگان با کرامت توصیف شده‌اند که در توضیح این توصیف آمده است «... عباد مکرمون. لا یسبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ یَعْمَلُونَ» (سوره انبیا؛ آیه ۲۶). هر چه می‌گویند، پیرو گفته‌های خداوند است، یعنی اراده آنها تابع اراده خداوند است. در جمله دوم «هُمْ بِأَمْرِهٖ یَعْمَلُونَ» فعل آنها را توصیف می‌کند که نه تنها گفتار، بلکه رفتار آنها نیز تابع امر و اراده او است. معلوم می‌شود انسان اگر در مدرسه تکریم الهی بنشیند و به دستور صحف مکرمه عمل کند و شاگرد معلم اکرم باشد بنده مکرم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۳۹).

جوادی آملی درباره‌ی دوری از گناهان به حدیث «الکریم من تجنب المحارم و تنزه عن العیوب» (تمیمی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴) اشاره می‌نماید و می‌فرماید: «کریم» انسانی است که از حرام اجتناب می‌کند. «تجنب»، یعنی در یک جانب جدا قرار گرفتن. به این معنا که انسانی که برای خود ارزش قائل است، صف خود را از حرام جدا می‌کند و «تنزه» از عیوب، یعنی نه عیب دیگران را می‌گیرد و نه در خود عیبی می‌پروراند (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۲).

ناتانیل براندن نیز آثاری را برشمرده است. او معتقد است، سلامت روان انسان منوط به حرمت نفس اوست. بیماری‌های روانی از کمبود حس احترام به خویشتن ناشی می‌شود و میزان احساس ارزشمندی روی تمام جنبه‌های وجودی اثر می‌گذارد (براندن، ۱۳۸۰، ص ۲۶). به همین دلیل، از دیدگاه او، مخرج مشترک بسیاری از پریشانی‌ها نبود یا کمبود عزت نفس است و قائل است کسی که برای خود ارزشی قائل نیست، با مشکلات روانی عدیده‌ای مواجه می‌شود (براندن، ۱۳۸۰، ص ۲۷۱).

از نظر اخلاقی نیز اذعان می‌کند چنین افرادی نه می‌توانند صداقت داشته باشند و نه شجاعت؛ زیرا تنها برای مردم زندگی می‌کنند و بیش از اندازه به تأیید و تصدیق دیگران اهمیت می‌دهند (براندن، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷). به دست آوردن موفقیت برای چنین افرادی محکوم به احساسی شبیه احساس افراد شیاد و دروغ است که مضطربانه در انتظار رو شدن دستشان هستند؛ زیرا از درون احساس بی‌کفایتی می‌کنند (براندن، ۱۳۸۰، ص ۱۹).

براندن معتقد است فردی که به عزت نفس دست نیافته مقاومت و مداومت کمتری دارد و امکان موفقیت او نیز کم‌تر است (براندن، ۱۳۸۰، ص ۲۶)، ولی اگر قدر و ارزش خود را بداند، در مقابل مشکلات شخصی و شغلی و ... مجهزتر است. به همین دلیل بعد از شکست، نه تنها ناامید نمی‌شود، بلکه برای شروع دوباره انرژی بیشتر و توانایی روبرو شدن با تغییر را دارد؛ زیرا با چالش‌های زندگی بهتر روبه‌رو شده و از فرصت‌های مطلوب بیشتر بهره‌برداری می‌کند (براندن، ۱۳۸۰، ص ۱۶).

او بین احساس ارزشمندی و احساس رضایت نیز ارتباط مستقیمی قائل است و می‌گوید: هر چه فرد ارزشمندی خود را بیشتر درک کند، احساس رضایت او از موفقیت‌هایش بیشتر است؛ زیرا موفق بودن برای او امری طبیعی و مناسب است، اما وقتی احساس ارزشمندی نکند، موفقیت می‌تواند برای او موجب اضطراب شود و این اضطراب سبب می‌شود در کار خود کارشکنی کند (براندن، ۱۳۸۰، ص ۱۶) احتمال تسلیم و یا عدم استفاده از همه توان هم وجود دارد.

همچنین از جمله آثار مهم احساس ارزشمندی را «ابراز وجود» می‌داند. ابراز وجود به این معنا که به خواسته‌ها، نیازها و ارزش‌ها و افکار خود احترام بگذارد. از خودش حمایت کند و در رویارویی با دیگران با احترام رفتار کند. هویت خود را بپسندد و هویت واقعی خود را جعل نکند. بتواند مشتاقانه از خود تعریف کند که ارزش‌ها را منعکس کند، ولی کسی که چنین ارزشی برای خود قائل نیست، طرح و پیشنهادهای خودش را دست‌کم می‌گیرد. به همین دلیل معمولاً از لحاظ عقلانی از ابراز وجود می‌ترسد و روی هوش و درایت خود سرپوش می‌گذارد (براندن، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

علاوه بر ابراز وجود، براندن «فردگرایی» را نیز اضافه می‌کند (براندن، ۱۳۸۰، ص ۷۰) و اصرار دارد که یک انسان خود به تنهایی یک هدف است و قرار نیست وسیله‌ای برای به هدف رسیدن دیگران باشد (براندن، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳).

او چنان فردگرایی را اصل قرار می‌دهد که حتی در مسائل خانوادگی توصیه برخی روان درمانگران به ادامه زندگی با همسرشان به دلیل حفظ حرمت و تقدس روابط خانوادگی را ظالمانه و باطل می‌داند و قائل است فرد مهم است و نباید همسران در زندگی خانوادگی به ملاحظه تقدس خانواده از خودگذشتگی کنند (براندن، ناتانیل، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹).

بنابراین، می‌توان گفت براندن به تفکرات اومانستی تمایل پیدا کرده است (نک: براندن، ۱۳۸۰، ص ۷۰) و بر اساس این مبنا، دنیا به عنوان اصل و انسان محور قرار گرفته است. طبیعی است آثاری مانند خواری دنیا و خواری شهوات را مطرح نمی‌کند.

مواردی مانند ابراز وجود که براندن به عنوان اثر عنوان می‌کند (براندن، ۱۳۸۰، ص ۲۶) اگر به معنای پسندیدن هویت خود و جعل نکردن هویت واقعی و یا احترام به افکار و ارزش‌ها باشد، پذیرفتنی است، ولی اینکه فردی مشتاقانه از خود تعریف نکند، نمی‌تواند لزوماً دلیل بر عدم احساس ارزشمندی باشد؛ زیرا انسان می‌تواند به گونه‌ای متعالی شود که از خود دانی بگذرد و چون خود را متصل به خداوند می‌بیند، دیگر نیازی به ابراز وجود به معنای تعریف از خود ندارد. همچنانکه در پذیرفتن تعریف دیگران امکان دارد فردی با وجود کرامت بالا آگاهانه تعریف دیگران را به دلایلی نپذیرد؛ از جمله از روی تواضع و به هدف مبارزه با نفس باشد تا اجازه ندهد رذیله کبر در او نفوذ کند و احساس برتری و عجب به او غلبه کند و یا در عین حال که وجود خود را عزیز و با کرامت می‌داند، ولی به این آگاهی رسیده که هر چه دارد از خداوند است و از خود چیزی برای تعریف ندارد به همین دلیل در عین حفظ کرامت نفس خود آنچه به او نسبت داده می‌شود را نمی‌پذیرد و همه را از خالق خود می‌بیند.

همچنین فردگرایی به طور مطلق، نمی‌تواند با آموزه‌های دین سازگار باشد؛ زیرا گاهی گذشت از خود به منظور هدف بالاتر نه تنها نشان از عدم احساس ارزشمندی نیست، بلکه نشان از عبور از خود دانی و رسیدن به خود عالی است که می‌تواند نتیجه احساس ارزشمندی باشد؛ زیرا انسان می‌تواند، خود مجازی را قربانی خود حقیقی کند تا از این رهگذر به خود حقیقی برسد و این منافاتی با کرامت نفس ندارد. اتفاقاً هر کس ارزش بیشتری برای خود قائل باشد، از امور پست و دانی و مربوط به خود غیر حقیقی فاصله می‌گیرد و چنین شخصی به راحتی می‌تواند با



دیگران احساس یگانگی کند و در حق آنها فداکاری کند.؛ چون این فداکاری و گذشت، در واقع، گذشتن از خود مجازی است که ارزشی ندارد و این ایشار دقیقاً نشانه و مشخصه ارزشمندی است؛ چون برای خود حقیقی اش ارزش قائل است.

بنابراین، طبق آموزه‌های دین فرد عزتمند می‌تواند چنان رشد یافته باشد که از این نشانه‌ها، قدمی جلوتر نهاده و برای خود دو جنبه بشناسد، از آنجا که وجود او از وجود و خیر مطلق است، کرامت کامل داشته و به هیچ وجه، تن به ذلت و خواری نخواهد داد و از آنجا که خودی برای نفس قائل نیست، تعاریف را نمی‌پذیرد و می‌تواند خود دانی را فدای اهداف عالی کند. همان‌طور که در برخی روایات برای خواری و اهانت به نفس آثار مطلوبی مانند کرامت نزد خداوند، خشنودی خدا، غلبه بر شیطان، حفظ از گناهان و اصلاح نفس ذکر شده است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۸۵، ۳۰۶، ۶۰۳، ۶۴۸)

از منظر آیه الله جوادی، ارزشمندی انسان بر اساس مبنای هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی مبنایی الهی و ذاتی است. در صورتی‌که برانندن مبنایی برای ارزشمندی انسان بیان نمی‌کند. در بحث عوامل هر دو به عوامل شناختی، رفتاری اشاره دارند؛ با این تفاوت که شناخت خود از منظر آیه الله جوادی شناختی همه‌جانبه از جسم و روح انسان است و ایشان لازمه شناخت خود را شناخت خدا می‌دانند؛ در صورتی‌که برانندن به شناخت استعدادها، قابلیت‌ها و توانایی‌های شخصی و پذیرش نقاط قوت و ضعف اکتفا می‌کند. در عوامل رفتاری نیز آیه الله جوادی قائلند محور کرامت، بندگی خداوند است؛ چون همه عزت را منحصر در خداوند می‌دانند که به میزان ارتباط با خداوند و بندگی او انسان کرامت می‌یابد.

همچنین از منظر هر دو بزرگوار احساس ارزشمندی، آثار معرفتی اخلاقی و رفتاری را در پی دارد. خواری دنیا و شهوات از آثار معرفتی مورد نظر آیه الله جوادی است که با توجه به اختلاف مبنا تفاوت دیدگاه ایشان با برانندن طبیعی است. در مورد آثار اخلاقی و رفتاری نظر هر دو دیدگاه بسیار شبیه است. تنها برانندن، ابراز وجود و فردگرایی را بیان می‌کند که از نظر اسلام نمی‌تواند کامل باشد؛ زیرا گاهی گذشتن از خود به منظور هدف بالاتر نه تنها نشان از عدم احساس ارزشمندی نیست، بلکه نشان از عبور از خود دانی و رسیدن به خود عالی است.

جوادی آملی		براندن	
مبانی	هستی‌شناختی	روح الهی	مبتنی بر مادیات
		خلقتی رفیع	
	ارزش‌شناختی	خلیفه الهی	جدا کردن انسان از مبداء و مقصد
		مسجود ملائک	
		تسخیر موجودات	احساس خوشایند فرد نسبت به داشته‌ها و قابلیت‌ها
	اعطای عقل		
عوامل	شناختی	خودشناسی و خداشناسی	خودپنداره و آگاهی از خویش
	رفتاری	تقوا و ارتباط با خدا	عمل به قول‌ها و تعهدات
			رفتار صادقانه و منصفانه
آثار	معرفتی	خواری دنیا و دنیاگرایی	سلامت روان
	اخلاقی		عدم ناامیدی
		بلند همتی ثبات و پایداری تنزه از عیوب	صداقت و شجاعت
			احساس رضایت
			مقاومت و مداومت
	رفتاری	دوری از گناهان	ابزار وجود
بخشش و ایثار		فرد گرایی	

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه

ابن دُزید الأزدی، أبوبکر. (۱۴۰۰ق). جمهرة اللغة (ج ۲، چاپ اول). بیروت: نشر دارالعلم للملایین.

ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (تصحیح: عبدالسلام هارون؛ ج ۳ و ۵، چاپ اول). قم: مکتب الإعلام الاسلامی.

براندن، ناتانیل. (۱۳۷۳). انسان بدون خویشتن (ترجمه: جمال هاشمی؛ چاپ اول). تهران: چاپخانه حیدری.
براندن، ناتانیل. (۱۳۸۰). روان‌شناسی عزت‌نفس (ترجمه: مهدی قراچه‌داغی؛ چاپ دوم). تهران: نشر نخستین.
براندن، ناتانیل. (۱۳۸۴). مسئولیت‌پذیری، اتکای به خود و زندگی پاسخ‌گو (ترجمه: مهدی قراچه‌داغی؛ چاپ اول). تهران: نشر شباهنگ.

براندن، ناتانیل. (۱۳۸۸). عزت‌نفس در زنان (ترجمه: الهام آرام‌نیا و شمس‌الدین حسینی؛ چاپ اول). تهران: نسل نواندیش.

بیگی‌زاده، کاظم. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی عزت‌نفس از منظر آموزه‌های دینی. قم: انتشارات انصاریان.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالکلم (ج ۱ و ۲، چاپ دوم). قم: انتشارات دارالکتب الاسلامی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). کرامت در قرآن (چاپ سوم). تهران: مرکز نشر رجاء.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). حیات حقیقی انسان در قرآن (چاپ ششم). قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). تفسیر تسنیم (ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، چاپ هشتم). قم: مرکز نشر اسراء.
سلطانی رنانی، محمد و داودی، لیلا سادات. (۱۳۹۸). بررسی معناشناختی و نسبت‌سنجی اسماء الهی در حوزه آفرینش. مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۱۲(۶)، ص ۹۹-۱۳۲. <http://qhts.modares.ac.ir/article-10-36725-fa.html>

صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن (ج ۱۶، چاپ دوم). بیروت: نشر فرهنگ اسلامی.
مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۱۰، چاپ اول). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). فلسفه اخلاق (چاپ دوازدهم). تهران: انتشارات صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۱، چاپ یازدهم). تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه